

بنهاد و بدست هر زنی کاردی و تریخ داد چنانکه خدای
 گفت **قوله تعالی** فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ
 وَأَعْتَدَ لَهُنَّ مَكْرًا وَأَنْتَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سَكِينًا وَجُونَ دَعْوَةٍ
 تمام شد یوسف را آراسته کرد و در پیش زنان اگابروها
 مصر آورد تا ملامت خود کنند پس چون یوسف جمال از پرده
 نمود و زنان نظر در روی و موی یوسف کردند کار که
 تریخ نهاده بودند بعد از در دست خود نهادند و می بردند
 ملامت کوی بی حاصل تریخ از دست نشناسد
 در آن معرض که چون یوسف جمال از پرده
 توان هر زنی که باز آیی بدین خوبی و زیبایی
 ذری باشد که از جنیت بروی خلق بکشایی
 بنیورهای بیاریند و تریخ خوب رویانوا
 تو سبقت جان خوئی که زیورهای بیارایی
 بزبایی گوناوی ملامت باد بر خستنت
 بزبایی بزبایی بتوزیب است زیبایی
 ملامت کوی بی حاصل تریخ از دست نشناسد در آن معرض که چون یوسف جمال
 پس چون

پس چون زنان نظر بر یوسف انداختند نه خبر از دست
 و نه خبر از تریخ تا که خون از دست ایشان روان شد و بعضی
 دستهای خود انداخته بودند و از دیدار یوسف خیزند
 پس زلیخا چون بید بخنجد و یوسف علیه السلام باز بر
 رفت و زنان در خود بگریستند خون دیدند که از دست ایشان
 میرفت و چندین دستها بریده شد و ایشان را خبر نبود بعله
 زلیخا ایشانرا گفت ایست که ملامت میکند و یوسف خود
 عصه می نماید پس چون زلیخا این قضیه از زنان مشاهده
 کرد عشقش بکی هزار شد و هر چند که با یوسف ملامت می
 شنید زلیخا گفت **دندان** کم یوسف گفت دندان دوست
 دار از آنچه مراد عوه برین میکنی پس یوسف دعا کرد و اجاب
 و بعله زنان دست بریده نشسته اند و معجزانند گفتند این
 چیست که ما با خود کرده ایم بعضی گفتند از دیدار یوسف
 چنانکه خدای تعالی گفت **قوله تعالی** فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ
 أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا